خبر

نامه حزب اعتماد ملی به رئیس قوه قضائیه درباره بازداشت محمدحسین کروبی

درخواست عاجل تغییر وضعیت

● حزب اعتماد ملی در پی بازداشت حسین کروبی به رئیس قوه قضائیه نامه نوشت. در بخش‌هایی از این نامه آمده است: «آقای محمدحسین کروبی دارای سوابق روشن و پرورش‌یافته در خانواده‌ای انقلابی و معتقد به آرمان‌های انقلاب و امام راحل و سابقه حضور مستمر و متوالی در جبهه‌های جنگ تحمیلی در دفاع از تمامیت ارضی ایران عزیز است».در ادامه با اشاره به مراجعه مأموران امنیتی به منزل این فعال سیاسی عنوان شده است: «باتوجه به نبود مستندات قانونی لازم با مقاومت آقای کروبی مواجه می‌شوند که تا سحرگاه همان شب در راهروها و حیاط مجتمع مسکونی به مراقبت و حضور خود ادامه می‌دهند».در نامه این حزب از ممنوع‌الملاقات‌بودن حسین کروبی سخن گفته شده است. همچنین درباره علت احتمالی دستگیری او هم آمده: «به نظر می‌رسد که با توجه به تماس کوتاه تلفنی محمدحسین کروبی با همسرش، بازداشت او درخصوص انتساب انتشار نامه‌های آیت‌الله کروبی به مقامات جمهوری اسلامی صورت گرفته است که این اتهام با توجه به اظهارات ایشان مخدوش بوده و قابلیت استناد قضائی ندارد».حزب اعتماد ملی در پایان درخواست خود را از رئیس قوه قضائیه این‌گونه مطرح کرده است: «جناب آقای رئیسی، همواره در دوره جدید مدیریت جناب‌عالی در قوه قضائیه به‌درستی بر اجرای قانون و رعایت حقوق اساسی زندانیان با صدور آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها تأکید داشته‌اید و با تکیه بر قانون اساسی سعی بر زندان‌زدایی، برخورداری زندانیان از حقوق اولیه اسلامی و انسانی، حق برخورداری از وکیل و ملاقات با خانواده و رعایت اصل شخصی‌بودن جرائم و مجازات‌ها و اصل قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها در بیانات شما مورد تأکید قرار گرفته است. اما متأسفانه با وجود انکار اتهام و فقدان ادله اثباتی، تاکنون این مهم در مورد آقای حسین کروبی توسط قاضی رسیدگی‌کننده و نیروهای امنیتی مغفول مانده است. حزب اعتماد ملی مراتب نگرانی شدید خود را از وضعیت محمدحسین کروبی در زندان انفرادی اعلام کرده و رعایت عدالت و رسیدگی عادلانه و منصفانه و عمل و التزام به قانون نسبت به همه آحاد ملت را توصیه کرده و در مورد این پرونده انتظار دارد که دستور رسیدگی عاجل صادر و با تغییر وضعیت حبس در انفرادی که مصداق بارز تحت فشار قراردادن متهم است، فرایند تحقیقات در شرایط عادی با رعایت الزامات قانونی را فراهم کنید».

عباس سلیمی‌نمین:

درباره احمدی‌نژاد اشتباه کردیم

● عباس سلیمی‌نمین، فعال سیاسی اصولگرا گفت: «باور من این است که جبهه پایداری از ابتدا برای ایجاد اختلاف در صفوف اصولگرایان و توسط جریان آقای احمدی‌نژاد راه‌اندازی شد که این ماهیت به تدریج برای پایگاه اجتماعی اصولگرایان روشن‌تر می‌شود. با این شفاف‌شدن جایگاه این جریان هم به مرور در حال ازدست‌رفتن است. جبهه پایداری در حال حاضر خیلی مهم و تعیین‌کننده نیست و حتی قدرت تخریبگری آنها به شدت تنزل پیدا کرده است. هرچند در گذشته هم عدد چشمگیری نبودند اما قدرت تخریب زیادی داشتند چون بی‌محابا و بی‌پروا تخریبگری می‌کردند اما فکر می‌کنم امروز این جایگاه‌شان را هم از دست دادند و در مجموع خیلی مهم نیستند که بخواهند به شورای ائتلاف بپیوندند یا نپیوندند؛ هرچند علی‌القاعده اگر عناصر معقولشان با سایر اصولگرایان همراه می‌شدند خوب بود اما اگر از ماهیت فعلی خود فاصله نگیرند و بر آن پایبند باشند، در این انتخابات هم شناخت مبسوط‌تری از آنها در جامعه ایجاد می‌شود که نهایتا به محوشدن آنها می‌انجامد. این هزینه‌هایی است که برای شناخت ماهیت افراد و گروه‌ها داده می‌شود و ضروری است».او درباره کنشگری سیاسی احمدی‌نژاد در مجلس گفت: «آقای احمدی‌نژاد اصلا فرصتی برای بروز و ظهور در مجلس یازدهم ندارد. او در حال محوشدن از عرصه سیاسی کشور است. اگر هم برخی اعضای وزرای کابینه ایشان در انتخابات ثبت‌نام کردند به این معنا نیست که با ایشان مرتبط هستند. اعضای کابینه نهم و دهم مدت‌هاست از ایشان فاصله گرفته‌اند و هیچ قرابت فکری‌ای با او ندارند. آقای احمدی‌نژاد پیش از این پایگاه نخبگانی خود را از دست داده بود و در حال حاضر هم به مرور پایگاه اجتماعی خود را از دست می‌دهد. هرچند عملکرد آقای روحانی امتیازاتی برای او داشته اما در کل با نوع دیدگاه‌های سیاسی‌ای که دارد و به هر خس‌وخاشاکی دست می‌اندازد در آینده هیچ جایگاهی نخواهد داشت».سلیمی‌نمین با اعتراف به اشتباه خود درباره احمدی‌نژاد گفت: «ما هم درمورد آقای احمدی‌نژاد اشتباه کردیم و حرف‌های کسی را که سابقه‌ای نداشت پذیرفتیم اما دیدیم که به حرف‌های خود پایبند نبود. هرچند ما هم نباید به شعارها و حرف‌های زیبای او اتکا می‌کردیم».

نوع نظارت شورای نگهبان به شیوه کنونی از ابتدای دهه ۷۰ آغاز شد

نظارت چگونه استصوابی شد؟

وحیده کریمی: دهه ۷۰ با تعیین نوع نظارت شورای نگهبان و ورود اصطلاح «نظارت استصوابی» به ادبیات سیاسی ایران همراه شد تا مرجع تفسیر قانون اساسی در تفسیر اصل ۹۹ اختیاری را برای خود به رسمیت بشناسد که تأثیر چشم‌گیری در افزایش قدرت این شورا تا به امروز داشته است تا جایی که بارها بعد از این تفسیر شاهد رد صلاحیت‌های گسترده نامزدهای انتخابات مجلس و رد صلاحیت چهره‌های شاخص در انتخابات خبرگان رهبری و ریاست‌جمهوری بوده‌ایم.نظارت استصوابی و اختیارات شورای نگهبان پیش از دهه ۷۰، یعنی در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی، به این شکل کنونی مطرح نبود و حتی در دوران ریاست‌جمهوری مقام معظم رهبری نیز ما شاهد نظارتی از جنس نظارت استصوابی نبودیم. برای نخستین بار در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس سوم، اعلام شد صلاحیت افرادی که قصد شرکت در انتخابات دارند، باید از سوی شورای نگهبان تأیید شود. این در حالی بود که بسیاری از منتقدان این نوع نظارت معتقدند در انتخابات‌های سال‌های اول انقلاب که بدون تأیید یا رد صلاحیت کاندیداها به شکل متداول سه دهه اخیر بود، فضای رقابتی پویاتری نسبت به امروز وجود داشت و انتخاب‌های بهتری صورت می‌گرفت و مجلسی تشکیل می‌شد که به معنای واقعی در رأس امور بود. برای نمونه در اولین انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس همه احزاب اعم از چپ، قوم‌گرا، ملی‌مذهبی حضور داشتند. تنها مسعود رجوی به سبب رأی‌ندادن به قانون اساسی و رفراندوم جمهوری اسلامی امکان شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری اول را نیافت و جلال‌الدین فارسی نیز به دلیل وجود سؤالاتی در ملیتش ناچار به کناره‌گیری شد. اما به مرور زمان به‌ویژه با آغاز دهه ۷۰ رد صلاحیت افراد از سوی هیئت‌های اجرائی و هیئت نظارت نقشی جدی گرفت.در سال ۱۳۷۰ در آستانه تشکیل مجلس چهارم، غلامرضا رضوانی، یکی از اعضای شورای نگهبان و رئیس هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، برای نخستین بار نظر تفسیری شورای نگهبان را درباره این اصل جویا شد و محمد محمدی‌گیلانی، دبیر وقت شورای نگهبان، در پاسخ گفت: «نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرائی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می‌شود». بنابراین با مجلس چهارم که حواشی بسیار به دلیل اختلاف‌های میان هیئت‌های اجرائی (وزارت کشور) و شورای نگهبان (ناظران انتخابات) تشکیل شد، برای نخستین بار معنای رد صلاحیت‌ها ملموس شد. پس از اعلام اسامی نامزدهای تأیید صلاحیت‌شده برای مجلس چهارم، مشخص شد ۹۰۰ نفر از سوی هیئت‌های نظارت رد صلاحیت شده‌اند. ۵۸ نفر از ردشدگان نمایندگان ادوار مجلس بودند که ۴۰ نفرشان نماینده مجلس سوم بودند. عمده چهره‌های شناخته‌شده ردشده از جناح چپ بودند. سیدهادی خامنه‌ای، هادی غفاری، ابراهیم اصغرزاده و عاتقه صدیقی همسر شهید رجایی از جمله تأییدنشده‌ها بودند؛ بهزاد نبوی که برای انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس سوم تأیید شده بود، در انتخابات چهارم رد صلاحیت شد. رد صلاحیت نمایندگان مجلس بعد از این دوره به امری معمول تبدیل شد و هر دوره نسبت به دوره ماقبل تعداد رد صلاحیت‌شدگانی که در مجلس به عنوان نماینده ملت حاضر بودند، افزایش یافت.

اما آنچه قدرت شورای نگهبان را در ادامه نظارت استصوابی تثبیت کرد، در مجلس پنجم رقم خورد تا دهه ۷۰ به سال‌های مهمی برای شورای نگهبان

تبدیل شود. شورای نگهبان طبق مصوبه سال ۱۳۷۴ مجلس پنجم (که اکثریت را در آن دوره محافظه‌کاران در اختیار داشتند) صاحب حق قانونی «نظارت استصوابی» شد و طبق تفسیری که اعضای این شورا از قانون مذکور ارائه می‌دهند، این شورا خود را به دلیل تصمیماتی که می‌گیرد، در برابر هیچ نهادی پاسخ‌گو نمی‌داند و نحوه نظارت این شورا قابل نظارت نیست و همین امر امکان انتقاد از این نهاد را نیز با چالش مواجه کرده است.

البته اولین دوره مجلس بعد از قانونی‌شدن نظارت استصوابی به شکل ناباورانه‌ای با حضور و تأیید صلاحیت نامزدهای گروه‌ها و احزاب مختلف همراه بود و رقابتی بی‌بدیل در عرصه انتخابات شکل گرفت و یکی از پرتلاش‌ترین و موفق‌ترین و البته پرحاشیه‌ترین مجالس ایران تشکیل شد. شاید یکی از دلایل این موفقیت را باید عملکرد دولت اصلاحات و عامل بعدی را تغییر قانون انتخابات دانست که عاملی شد تا شورای نگهبان بر بحث‌های جانبی همچون حد نصاب کسب آرا متمرکز شود و عوامل دیگری که مجال این گزارش نیست. در انتخابات ششم (۲۹ بهمن ۷۸) به دلیل تغییر قانون انتخابات و تعیین حد نصاب کسب ۲۵ درصد آرا در مرحله اول، برای نخستین بار ۳۰ نماینده تهران در مرحله اول انتخاب شدند. البته به دلیل اختلاف نظر بین شورای نگهبان و وزارت کشور سرنوشت سه کرسی به مرحله دوم واگذار شد. این انتخابات را هیچ گروهی تحریم نکرد حتی ملی‌مذهبی‌ها و نهضت آزادی هم در انتخابات شرکت کردند و توانستند علیرضا رجایی و رحمان کارگشا از حوزه تهران و اراک را روانه مجلس کنند اما شورای نگهبان آرای آنها را باطل اعلام کرد.

البته در ماجرای ابطال این آرا هم روایت مصطفی تاجزاده و نقش او در وزارت کشور وقت، حائز اهمیت است؛ به گفته او در انتخابات مجلس ششم برای نخستین‌بار قبل از آنکه شمارش رأی پایان بگیرد، آقای جنتی اطلاعیه‌ای صادر کرد و شمارش آرا را مخدوش اعلام کرد و گفت آرا باید بازشماری شود که در نهایت با کش‌وقوس بسیار با ابطال ۵۳۴ صندوق، حدادعادل از نفر سی‌وسوم فهرست تهران، وارد فهرست ۳۰نفره شد و رجایی حذف شد. البته این حذف پایان کار شورای نگهبان با مجلس ششم نبود و زمان احراز صلاحیت نامزدهای مجلس هفتم، ۸۰ نفر از نمایندگان مجلس ششم از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت شدند و نمایندگان معترض به عملکرد شورای نگهبان برای اولین‌بار در تاریخ مجالس ایران بعد از انقلاب دست به تحصن زدند و در پی نتیجه‌بخش‌نبودن تحصن، استعفای دسته‌جمعی نمایندگان رقم خورد.

در مجالس بعدی با توجه به همسوبودن نامزدها با شورای نگهبان، ردصلاحیت‌ها حواشی خاصی به‌همراه نداشت تا مجلس دهم که با رد صلاحیت گسترده نامزدهای اطلاح‌طلب مواجه بودیم. نظارت استصوابی شورای نگهبان بعد از رد صلاحیت‌ها با پایان انتخابات مجلس دهم، یکباره دامن مینو خالقی، نماینده اصفهان را گرفت. هرچند در مجلس ششم، حذف رجایی قبل از تأیید انتخابات رخ داد، اما حذف نامزد تأییدصلاحیت‌شده بعد از شمارش آرا و بعد از تأیید نتیجه انتخابات هم در سوابق عملکرد شورای نگهبان با توجیه نظارت استصوابی وجود دارد و حذف نام مینو خالقی، نماینده اصفهان، دقیقا جزء همین مورد است که با پایان کار شورای نگهبان در بحث نظارت بر انتخابات یک‌باره مینو خالقی حذف شد. به گفته دکتر علی‌اکبر گرجی، استاد حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی، در تصویب شماره ۱۲۳۴ مورخه ۱۳۷۰ شورای نگهبان، نظارت استصوابی شورا شامل تمام مراحل اجرائی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت‌هاست؛ یعنی در اینجا نیز نظارت شورای نگهبان محدود به مراحل اجرائی انتخابات است؛ بنابراین انتخابات با تأیید صحت آرای مأخوذه پایان می‌یابد؛ بنابراین نظارت استصوابی شورای نگهبان با تأیید این مراحل به مرحله پایانی خود می‌رسد.

این روزها نیز با آغاز بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات مجلس یازدهم هم مجددا نظارت استصوابی شورای نگهبان دامن اصلاح‌طلبان را گرفته است و اصلاح‌طلبان با چنان رد صلاحیتی مواجه شده‌اند که رقابت در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه فقط میان طیف‌های اصولگرایی خواهد بود.

در این سال‌ها، برای اصلاح نحوه نظارت شورای نگهبان تلاش‌هایی در سال‌های بعد صورت گرفت اما همگی نافرجام بود؛ از جمله تلاش دولت اصلاحات که وزارت کشورِ دولت اصلاحات در سال ۱۳۸۱ برای رفع ابهام در تفسیر قانون انتخابات مصوب سال ۱۳۷۴، لایحه تغییر قانون انتخابات را به مجلس ارائه کرد که براساس آن نظارت استصوابی حذف می‌شد و در صورت تصویب آن، شورای نگهبان حق نداشت بدون دراختیارداشتن مدارکی از دستگاه‌های مسئول- مانند وزارت اطلاعات، قوه قضائیه و نیروی انتظامی- صلاحیت نامزدها را رد کند. مهدی کروبی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی، اِعمال «نظارت استصوابی» بر انتخابات از سوی شورای نگهبان را خلاف شرع و قانون معرفی کرده، آن را به «اهرم فشار» محافظه‌کاران تشبیه کرد. او استدلال می‌کند که طبق قانون اساسی، رهبر جمهوری اسلامی نیز در برابر نهادی چون مجلسِ خبرگان پاسخ‌گو است؛ چگونه است که شورای نگهبان خود را در برابر هیچ نهادی پاسخ‌گو نمی‌داند؟ این لایحه با مخالفت شدید محافظه‌کاران روبه‌رو شد و به تصویب نرسید؛ بنابراین با عدم تغییر این قانون همچنان با تحدید حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن مردم مواجه هستیم و اگر تلاشی هم برای تغییر قانون شود، از یک سو محافظه‌کاران یا اصولگرایان که با مشکل رد صلاحیت‌های گسترده مواجه نیستند، در مخالفت با تغییر آن مانع تصویب هر لایحه و طرحی در این رابطه می‌شوند و از سویی دیگر در خوش‌بینانه‌ترین حالت اگر چنین قانونی در مجلس تصویب شود، بسیار بعید است که از سد شورای نگهبان بگذرد.

اعتراضات آبان‌ماه به روایت جلایی‌پور و کاشی

حمیدرضا جلایی‌پور در جلسه «بررسی بحران‌های اخیر و چالش‌های همبستگی در ایران امروز» گفت: «جنبش سبز بعد از یک سال مهار شد. در دی‌ماه ۹۶ اعتراضات مال‌باختگان در مشهد شروع شد و مهار شد. در آبان‌ماه ۹۸ اعتراضات مردمی خودجوش صورت گرفت. ده‌ها آمبولانس تخریب شد، این موضوع در سابقه ایران نبود، بنابراین محل تأمل است. سپس ترور ناجوانمردانه سردار سلیمانی را داشتیم. آن بدرقه در تشییع او را فقط برای امام(ره) دیده بودیم. بعد حادثه دلخراش اسقاط هواپیما پیش آمد».

به گزارش «ایسنا» او با بیان این اعتقاد که «اعتراضات مردمی در ایران حرکتی آگاهانه است و نباید به حرکت‌های کور تقلیلش دهیم»، در تبیین ماهیت این اعتراضات گفت: «همه اعتراضات را زیر یک قالب می‌آورند، درحالی‌که با وجود وجوه اشتراک‌شان باید به نقاط تفاوت‌شان توجه کرد. اسم جنبش اعتراضی را روی همه آنها می‌گذاریم، اشکالی ندارد، اما به تفاوت‌ها باید توجه کنیم. به چرایی آن هم باید توجه کرد».

این جامعه‌شناس با پیش‌بینی اینکه «حدس می‌زنم جامعه ایران تا اطلاع ثانوی جنبشی خواهد بود»، مدعی شد: «همه این خیزش‌ها ریشه در نارضایتی مردم دارند. مردم مشکل دارند و اعتراض می‌کنند. به جز استقبالی که از پیکر شهید قاسم سلیمانی کردند، مابقی حضورشان در خیابان اعتراض به حاکمیت بود. اعتراضات همواره در جریان است، فقط گاهی اوقات به سطح جامعه می‌آید. این اعتراضات خصیصه‌های متفاوتی دارد. جنبش سبز جنبش مدنی بود.

او با اشاره به زمینه‌های اعتراضات ۱۰روزه دی‌ماه ۹۶ و نقش رسانه‌های غیررسمی در انتشار زوایای این اعتراضات گفت: «اعتراضات که تمام شد، دوباره همان شد که بود. همه گفتند این اعتراضات مهم است باید به آن توجه کنیم، اما اتفاقی نیفتاد».

او همچنین با بیان اینکه «منشأ اتفاقات آبان ۹۸ افزایش قیمت بنزین بود»، ابراز عقیده کرد: «آبان‌ماه جنبش خودانگیخته معیشتی بود، من جنبش آبان را جنبش معیشتی می‌دانم کسانی بودند که از حرکتی نسنجیده آسیب دیدند».

این فعال سیاسی با اشاره به حضور میلیونی مردم در تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی گفت: «آن حضور خیزشی بود در دفاع از ایران. ایرانیان دیدند ترامپ فرمانده ایران را زده احساس خطر کردند. قاسم سلیمانی فرمانده جنگ بود، با داعش جنگید و طرفدار فقرا بود. آمریکا فهمید اینجا سوریه نیست، ایران است؛ بزنی مردم کف نمی‌زنند و به خیابان می‌آیند. ایران که در برابر قدرت سخت آمریکا نیرویی ندارد؛ ایرانیان قدرت نرمی را به رخ آمریکا کشیدند».

این استاد دانشگاه در ادامه با اشاره به واکنش‌ها به سقوط هواپیمای اوکراینی نیز گفت: «با اعتراضاتی که در ماجرای سقوط هواپیما رخ داد برخی می‌گفتند جنبش دانشجویی بیدار شده است. اگر اینچنین باشد که هزینه بسیار سنگینی است. آن سقوط و آن سکوت هر جامعه‌ای را ناراحت می‌کرد، ازجمله دانشجویان».

محمدجواد کاشی هم در این جلسه اظهار کرد: «جامعه ایران تحولات پرشتابی را در دوماه گذشته پشت‌سر گذاشت که هرکدام جهتی داشتند که با دیگری سازگار نبود؛ رویدادهای اواخر آبان، تحولات بعد از ترور قاسم سلیمانی و تحولات بعد از سقوط هواپیما، سه رویدادی است که در هرکدام عده‌ای خاموش و عده‌ای روشن می‌شدند». او ادامه داد: «هر رویداد از قدرت یک جریان اجتماعی حکایت داشت اما هیچ‌کدام بهره‌ای را که خیال می‌کردند، نبردند».

این استاد دانشگاه تصریح کرد: «رویدادهای اواخر آبان قبل از استفاده سیاسی معلوم نشد به کجا انجامید. ترور قاسم سلیمانی بیش‌ازحد متعارف موجب غلیان احساسات شد. بعد از رویداد سقوط هواپیما یک‌جور فضای ابهامی را برانگیخت حتی لطیفه‌هایی هم ساختند که جامعه ایران چه خبر است».

کاشی گفت: «هر سه این بحران‌ها ناگهانی، هیجانی و واکنشی بودند. هر اتفاقی واکنش یک گروه را به نحو پیش‌بینی‌ناپذیری برانگیخت». این استاد دانشگاه تصریح کرد: «با جامعه‌ای طرفیم که انرژی‌های پشت‌پرده فراوانی دارد، اما باوجود انرژی‌های پنهان‌شده، قدرت ندارد. جامعه به نحو هیجانی واکنش نشان می‌دهد اما معلوم نیست به نفع کیست. انرژی عظیمی در جامعه وجود دارد. همان اندازه که قدرت ندارد سازوکار استیلا هم ندارد».

او در بخش دیگری از سخنانش گفت: «ما اصلاح‌طلبان روایتی از جامعه سیاسی ساختیم که همه‌چیز در جامعه سیاسی از صندوق رأی است. صندوق رأی نقطه نهایی است نه نقطه آغاز».

کاشی گفت: «این جامعه تولید قدرت و استیلا نمی‌کند؛ بنابراین هر درزی که گشوده شود، غلیان احساسی ایجاد می‌شود». او در پایان خاطرنشان کرد: «این لحظه‌ای است که سوژه سیاسی می‌تواند بیاید این وضع را ساماندهی کند. امروز آن نیرویی می‌تواند جامعه ایران را سامان دهد که به‌رغم هر جنسیت و عنوانی، یادمان بیاورد که ما انسانیم و در پرتو این همبستگی بنیادین تولید قدرت کنیم».

الو شرق ۸۸۹۴۸۲۷۳

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● جمع‌آوری نان خشک توسط نمکی‌ها و فروش آن به دامداران، چون نان‌ها کپک زده است؛ یعنی تزریق سم به شیر و گوشت دام. اگر به دام خوراک سالم بدهیم، شیر و گوشت سالم داریم. چرا جمع‌آوری نان خشک ممنوع نمی‌شود! مسئولان هر چه زودتر جلوی این پدیده ضدبهداشتی را بگیرند.

یک مخاطب

● گزارش شما در مورد بسته معیشتی دولت را مطالعه کردم. در مورد خودم لازم است بگویم من و برادر دیگرم یک دکه مطبوعاتی در شهر اردبیل اجاره کرده‌ایم که دو دستگاه پوز به نام من هست. حالا دولت تمام تراکنش‌های آن را به عنوان درآمد به اسم من حساب کرده و بنده را از شمول بسته معیشتی خارج کرده است. لطفا در صورت امکان از مسئولان وزارت رفاه در این مورد سؤال بفرمایید. با تشکر.

نعمتی از اردبیل

● **کارگرآزاری!** پرداخت به‌موقع حقوق باعث تازه‌شدن روحیه کارگران می‌شود. متأسفانه حقوق‌های ما را در سه نوبت و با تأخیر پرداخت می‌کنند و موجب نارضایتی کارگران می‌شوند. مراتب جهت اطلاع مسئولان عرض شد!

بهروز

بازتاب

● پاسخ روابط عمومی شهرداری منطقه یک‌پیرو انتشار پیام مردمی در روزنامه شرق مورخ ۹۸/۱۰/۲۳ با عنوان «ایستگاه ناایمن» مراتب زیر برای استحضار ایفاد می‌گردد: ضمن تشکر از شهروند گرامی، حسب بررسی اداره بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE) و معاونت حمل‌ونقل و ترافیک منطقه و گزارش کارشناسان، ایستگاه مذکور با داشتن امکانات لازم از جمله سکو، رمپ معلولین، تابلوی ایستگاه اتوبوس، کارتخوان، روشنایی و سرپناه ایستگاه به‌عنوان ایستگاه ایمن و فعال مشغول به فعالیت است لیکن حسب درخواست شهروند محترم درخصوص جانمایی و هرگونه جابه‌جایی احتمالی و یا ایمن‌سازی ایستگاه به‌منظور تأمین ایمنی شهروندان محترم مراتب در دستور کار معاونت ذی‌ربط قرار دارد.